

آموزش توحید محور

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (۲۱) لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (۲۲) (ق/۲۱ و ۲۲)»

و هرکس (به صحنه قیامت) می‌آید، با او دو فرشته است که یکی او را به جلو سوق می‌دهد و دیگری گواه اوست. (به او گفته می‌شود): همانا از این صحنه در غفلتی (عمیق) بودی، پس پرده (غفلت) تو را کنار زدیم و امروز چشمت تیزبین شده است.

خطاب به شخص می‌کند و می‌گوید پرده را از جلو تو برداشتم. نمی‌گوید: «جهان را عوض می‌کنیم»، می‌گوید: «تو را عوض می‌کنیم». پرده را از جلوی چشم تو کنار می‌زنیم؛ پس اگر آن حجاب همین حالا هم کنار رود، همین حالا حقایق قیامت برای ما ظاهر می‌شود.

این تجربه‌ای که در خواب به سراغ شما آمد و فهمیدید همین که می‌میرید بیدار می‌شوید را می‌توانید به هر مردنی تعمیم دهید و بدانید در دنیا هم وقتی مردید، بیدار می‌شوید و همین طور که وقتی از خواب بیدار می‌شوید، می‌بینید افرادی اطراف شما بودند و متوجه نبوده‌اید، پس از مرگ هم چون بیدار شدید و خود را در برزخ یافتید ملاحظه می‌کنید چه حقایق اطراف شما بود و متوجه نبودید، ملائکه را می‌بینید که چگونه فعلاً نه با شما مرتبط بودند و حالا به صورت نکیر و منکر برایتان ظاهر شدند و نیز صورت اعمال خود را می‌یابید - اعم از اعمال نیک و اعمال بد- قرآن در توصیف این نکته می‌فرماید: «وَأَقْرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ» و وعده‌ی حق نزدیک می‌شود؛ در آن هنگام چشم‌های کافران از وحشت از حرکت بازمی‌ماند؛ می‌گویند: ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم؛ بلکه ما ستمکار بودیم!

حضور نفس در شرایط فوق زمان و مکان

در موقع خواب دیدن و رؤیا، بخصوص در رؤیای صادقه، در عین اینکه بدن و جسم ما، در رختخواب است، خود ما در صحنه‌هایی حاضر می‌شویم که بعداً همان صحنه‌ها در عالم ماده حادث می‌گردد. یعنی ما بدون این جسم و بدن در صحنه‌هایی واقعی حاضر می‌شویم.

انسان از دیدگاه اسلام؛ این طور نیست که دارای دو حقیقت جسم و روح باشد، بلکه حقیقت او جان یا روح اوست و بدن و جسم ابزار آن روح است و اگر به لذات بدنی زیاد میدان بدهد، عملاً از اصل خود جدا شده، و هرچه انسان بیشتر بر بدن حاکم باشد، خود را بیشتر به انسان کامل یا حقیقت‌الانسان نزدیک کرده‌است.

آموزش توحید محور

و عمدۀ آن است که انسان متوجه باشد بدن او حجاب او نگردد، که گفت:

حجابِ چهرۀِ جان، می شود غبارِ تنم خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم

یعنی چون تن خاکی حجاب شده، چهرۀ حق را نمی بینم، به امید روزی که با آزاد شدن از حکم تن - با امثال روزه و سایر ریاضات شرعی - پرده را از آن چهره کنار زنم.

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست تو خود حجاب خودی، حافظ میان برخیز

بمیرید بمیرید در این عشق بمیرید

در این عشق چو مردید همه روح پذیرید

بمیرید بمیرید و زین مرگ مترسید

کز این خاک برآید سماوات بگیرید

بمیرید بمیرید و زین نفس ببرد

که این نفس چو بندست و شما همچو اسیرید

یکی تیشه بگیرید پی حفره زندان

چو زندان بشکستید همه شاه و امیرید

بمیرید بمیرید به پیش شه زیبا

بر شاه چو مردید همه شاه و شهیرید

بمیرید بمیرید و زین ابر برآید

چو زین ابر برآید همه بدر منیرید .

(دیوان شمس، غزل ۶۳۶) - سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۹۷.